

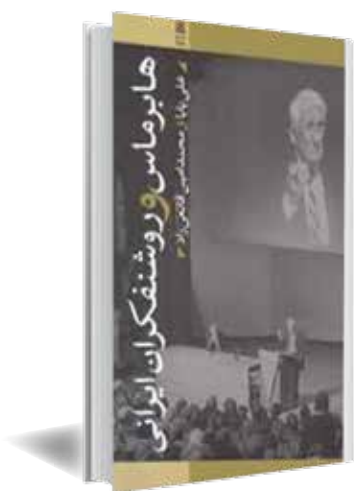
کتابخوانی با حس «پرسشگری»

کتاب‌های برتر حوزه اندیشه در سال ۹۵

در طول سال کتاب‌های فراوانی چاپ می‌شوند که البته تعداد اندکی از آنها، درخشان و درجه یک هستند. انتخاب بهترین‌ها از میان همان تعداد اندک نیز کاری به‌غایت دشوار است. کتاب خوب باید بیش از هر چیز مخاطبش را مسرور و کنجکاو کند و بیش از پاسخ‌دادن، او را به «پرسش کردن» تحریک نماید. معتقدم هفت کتابی که در ادامه معرفی کرده‌ام در مخاطبش این حس «پرسشگری» را ایجاد می‌کند. می‌شود اسم‌شان را گذاشت: کنجکاو و برانگیزهای دوست‌داشتنی.



فرزاد نعمتی
روزنامه‌نگار



* «هابرماس و روشنفکران ایرانی» اثر محمد امین قانع‌راد و علی پایا/ نشر طرح نقد

یورگن هابرماس از مهم‌ترین فلاسفه قرن بیستم است که آثارش علاوه بر آنکه در میان دانشوران حوزه‌های مختلف علوم انسانی طرفدارانی فراوان دارد، در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران نیز طنینی ویژه داشته است و در سه دهه اخیر، بسیاری از متفکران ایرانی، کم‌وبیش و با نیات و مقاصد متفاوت از آثار وی برای پرورش مباحث فلسفی، فرهنگی، سیاسی و دینی خود سود جستند. دکتر قانع‌راد و دکتر پایا با چنین پیش‌فرضی به سراغ شانزده روشنفکر ایرانی رفته‌اند و از آنان چگونگی آشنایی و جرای بهره‌وری از آرای هابرماس را مورد پرسش قرار داده‌اند. این متفکران شامل طیفی از تئوریسین‌های اصلاح‌طلب، روشنفکران دینی و سکولار و استادان دانشگاهی است؛ افرادی که هر یک از منظری خاص به برخی وجوه آرای هابرماس توجه نشان داده‌اند. برای برخی از آنان تئوری «کنش ارتباطی» هابرماس جذابیت داشته است، دیگران با استفاده از اندیشه او، اندیشه‌های شریعتی و آل احمد را به‌روز کرده‌اند یا رابطه عقل و وحی را در گونه‌نگریسته‌اند، دسته‌ای مباحث او درباره جامعه مدنی و حوزه عمومی را برای جامعه ایرانی نیکو دانسته‌اند و گروهی در نوشته‌های او روزنی برای نقد سرمایه‌داری یافته‌اند. اوج ظهور و بروز هابرماس در ایران، در دهه‌های هفتاد و هشتاد خورشیدی بوده است؛ هر چند بسیاری از آثار وی هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند. اکثر مصاحبه‌شوندگان این کتاب نیز به‌طور موردی و واسطه‌مند از آرای هابرماس معترف‌اند و برخی حتی خوانش دیگر روشنفکران از هابرماس را نادرست و عجیب و غریب می‌پندارند. هابرماس، خود در سال ۱۳۸۱ به ایران سفر کرد و با دغدغه‌های مخاطبان ایرانی خود آشنا شد؛ اگر چه بعدها در مصاحبه‌ای بیان کرد که در ایران به یک «شومن» بدل شده بوده است! شاید کمترین حسن خواندن این کتاب نیز بررسی نحوه فهم و خوانش روشنفکران ایرانی از هابرماس و بعضاً بدل کردن او به یک شومن باشد؛ امری که البته عمومیت ندارد و نباید از خوانش‌های معطوف به متن وزمینه برخی از متفکران ایرانی هم غافل بود.



* «در آستانه تجدید» اثر داوود فیرحی/ نشر نی

انقلاب مشروطه، رهبران مذهبی ایران را به‌دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای چون شیخ فضل‌الله نوری، حامی «سلطنت مشروطه» بودند و گروهی چون آیت‌الله نائینی از «سلطنت مشروطه» دفاع می‌کردند. مهم‌ترین و مشهورترین اثر دسته دوم، کتاب «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» است که مورد تأیید رهبران مشروطه چون آخوند خراسانی و ملا عبداللّه مازندرانی قرار گرفت، محورترین متن در تبیین دینی از نظام مشروطه و از مظاهر مهم نوگرایی دینی و دفاع از آزادی و دموکراسی با استفاده از امکانات سنت دینی به‌شمار می‌رود، طی قرن گذشته همواره محل رجوع و بحث بوده است و چندین بار به‌همت افرادی چون آیت‌الله طالقانی و... چاپ، تصحیح، باورقی و بازنشر شده است. آخرین شرحی که بر این کتاب نوشته شده است، به قلم یکی از برجسته‌ترین استادان فقه سیاسی ایران، دکتر داوود فیرحی است. فیرحی که پیش از این با انتشار مجموعه دوجلدی «فقه و سیاست در ایران معاصر» نظرات بدیع خود را در رابطه با نسبت فقه با ارزش‌های دموکراتیک مورد پسند دنیای مدرن به‌تفصیل بیان کرده است، اینک در ادامه طرح فکری خود، در کتاب «در آستانه تجدید؛ در شرح تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» کوشیده است ریشه‌ها و بنیادهای نگرش مدرن و دموکراتیک به سیاست و نهادها و ابوابه‌های مدرن آن نظیر دولت و قانون در فقه شیعی را با استناد به نظرات آیت‌الله نائینی که بحق می‌توان او را آغازگر این طرح دانست، بسط و شرح دهد و همین خوانش نوین، جهد او را امری فراتر از شرح نویسی نشان می‌دهد. رساله نائینی جدا از اهمیت نظری آن و اگر چه به‌ظاهر به زبان فارسی نوشته شده است، اما برای فارسی‌زبانان امروزی راحت‌خوان نیست و همین خود می‌تواند محرکی اولیه برای شرح نویسی بر آن باشد. این، اما تمام قصه نیست. بسیاری از رسایل دشوار خوان عصر مشروطه، محققان را به شرح نویسی ترغیب نمی‌کنند، زیرا ایده‌ها و محتوای آن کتاب‌ها، بکر و بدیع نیست. اهمیت نائینی و رساله ممتازش آن است که او بر نقش مهم بنیادهای دینی و لزوم تبدیل فقه به قانون برای گذار از شکل سنتی سلطنت استبدادی به قالب مدرن سلطنت مشروطه واقف است و از این منظر «در آستانه تجدید» ایستاده است: «متجدد از درون سنت و سنتی از درون تجدید.»



* «نوشتار و تفاوت» اثر ژاک دریدا/ نشر نی

ژاک دریدا از جمله مهم‌ترین فلاسفه قرن بیستم بود که نظریه او موسوم به «deconstruction» موتور محرکه اندیشه‌ورزی شکاکانه و نقد فلسفی دامنه‌دارش بر سنت فلسفه غرب بوده است. این اصطلاح که انواع و اقسام ترجمه‌های فارسی اعم از واسازی، شالوده‌شکنی، ساختارزدایی، ساخت‌گشایی و... را نیز به خود دیده است مبنایی برای نقد دریدا بر متافیزیک غربی شد و دریدا در ادامه نقد هایدگر، تاریخ تمدن غرب را به دوره استیلای متافیزیک و تمامیت متافیزیک تقسیم کرد. از همین منظر برخی دریدا را فرزند خلف مکتب تشکیک فلسفی (scepticism) فرانسوی می‌دانند. فراتر از فلسفه و نقش دریدا در آنچه به جنبش پست‌مدرن در فلسفه موسوم است، نظریات دریدا بر حوزه نقد ادبی نیز تأثیر گسترده‌ای بر جای گذاشت و به نزدیکی مرزهای ادبیات و فلسفه کمک کرد. کتاب «نوشتار و تفاوت» که در سال ۱۹۶۷ میلادی نوشته شد، امسال و پس از نیم‌قرن به‌همت دکتر عبدالکریم رشیدیان ترجمه شد. این کتاب از مهم‌ترین آثار دریدا و مجموعه‌ای از مقالات وی درباره متفکرانی چون ژان روسه، میشل فوکو، ژرژ باتای، میشل فوکو، امانوئل لوبیناس، ادموند هوسرل، زیگموند فروید، کلود لوی استروس و... است و در آن دریدا به تأمل درباره نظریه ساختارگرایی پرداخته است. به نظر دریدا، برخلاف آن دیدگاهی که در پی حقیقت و معنای اصیل است و همین فهم را پیش‌زمینه تحقیق قرار می‌دهد، معنا به واسطه بازی آزاد نشانه‌ها دچار عدم تعین است و بنابراین همواره میان دال و مدلول فاصله‌ای پرنشاندنی وجود دارد، زیرا هر دالی نه به یک مدلول معین که به دالی دیگر اشاره دارد و همین «تعویق» و «تفاوت» بیانگر آن است که ما هیچگاه نمی‌توانیم به معنایی و مقاصدی معین و مشخص در متن دست یابیم. این مقدمه‌ای است بر طرح این دیدگاه نیچهای که زبان خصلتی استعاری دارد و بنابراین اگر فلسفه نیز چون ادبیات آکنده از مجاز و استعاره است، پس نمی‌تواند مدعی باشد «سخنگوی حقیقت» است.